

گفت‌وگوی  
صبا با عوامل  
نمایش کودک  
«نونوش و  
کوهستان»

# جادوی تخیل در تئاتر کودک

مریم عظیمی  
گفت‌وگو



مهدی قلعه که پیشتر با نمایش‌هایی مثل «جادوگر شهر از»، «عمو پامیل» و... در عرصه تئاتر کودک حضور داشته این بار نمایشی به نام «نونوش و کوهستان» به نویسندگی شهرام کرمی را در کانون پرورش فکری به روی صحنه آورده است. اولین دور اجراهای این نمایش از فروردین ماه آغاز شد و پس از گذراندن وقفه‌ای کوتاه، دور دوم اجراها که از مهر ماه شروع شده، تا اواسط آبان ادامه خواهد داشت. در گروه بازیگران این نمایش نام‌های آشنایی چون قاسم انصاری شاد و ایرج صادقی در کنار بازیگران جوانی چون مهدی مزدارانی، روزینا میرزایی، بهاره سلیمانی و پرنیان شاد کام به ایفای نقش می‌پردازند.



مهدی قلعه  
کارگردان:

تئاتر جزو نیازهای اولیه  
کودکان است

بره در جنگل، اما ممکن است در گذرگاهی با هم دیدار کنند و دوستی‌ای میانشان شکل گیرد و از نگاه و در ذهن کودک، این دوستی ممکن است، هرچند از نظر فطری، گرگ دشمن بره است و همیشه به او حمله کرده. با این حال، در دنیای کودکان، دوستی میان آن‌ها ممکن و پذیرفتنی است. البته آقای شهرام کرمی روز اولی که به دیدن اجرا آمدند، نسبت به پایان نمایش ما نقدی داشتند و ما هم مجدداً بخش‌هایی را تغییر دادیم هر چند که ایشان گفتند گله‌ای ندارند، اما ترجیح می‌دادند پایان همان‌طور که در نمایشنامه‌شان نوشته شده بود باقی بماند. با این حال، ما با توجه به دیدگاه کانون کمی تحت فشار بودیم و تأکید داشتند این دو کاراکتر نباید در پایان با هم دوست شوند. در نهایت اگرچه به صورت فطری چنین دوستی ممکن نیست، اما چون مخاطبان ما کودکان هستند به نظر من اشکالی نداشت.

یک نکته جالب در طول حدوداً ۸۰ شبی که اجرا داشتیم، این بود که بسیاری از کودکان پس از نمایش از والدینشان پرسیده بودند: «چرا گرگ و بره با هم دوست نشدند؟» یعنی بچه‌ها انتظار دوستی آن‌ها را داشتند. در مقابل، برخی از بزرگ‌ترها در سالن به من تذکر می‌دادند که «چرا نباید گرگ بخوابد با بره دوست شود؟» در واقع ما در یک دوراهی و بین دو نگاه متفاوت قرار داشتیم. به همین دلیل، گاهی پایان نمایش را به سمتی بردیم که مورد پسند گروهی از تماشاگران بود و گاهی به سمت دیدگاه دیگر. اما از نظر من به‌عنوان کارگردان، دوستی هیچ اشکالی نداشت و می‌توانست ادامه پیدا کند، هرچند در پایان، همان‌طور که در اجرای امشب گفتیم، گرگ باید در جنگل زندگی کند و بره در مزرعه.

**منطق ویژگی کاراکتر سگ مزرعه «ژنرال» و حضور کاراکتر ربات اسباب بازی نیز بسیار قابل توجه بود.**  
بله اتفاقاً این نیز از همان مسائلی است که در نمایشنامه به آن اشاره نشده اما ما با استفاده از بخش انیمیشنی که در اواسط کار بخش می‌شود به دلیل داستانی که سبب لال شدن کاراکتر «ژنرال» است پرداختیم و گفتیم که چرا نمی‌تواند حرف بزند. این ایده را خودمان در تمرین‌ها اضافه کردیم. همچنین شخصیت اسباب‌بازی پسر صاحب مزرعه نیز از جمله نکاتی بود که در نمایشنامه به شکل مبهم مطرح شده بود. آقای کرمی در متن اصلی توضیح نداده بودند که این شخصیت دقیقاً کیست و از کجا آمده است. ما این منطق و داستان را در اجرا افزودیم که او یکی از وسایل بازی پسر مزرعه‌دار بوده که خراب شده و او را به مزرعه انداخته‌اند و حالا با حیوانات مزرعه دوست شده است. اساساً به همین دلیل در پایان نمایش از مردم خواستیم که نمایشنامه را بخوانند تا تفاوت میان متن و اجرا را ببینند. آقای کرمی نویسندگی بسیار توانمند و منعطف هستند، سال‌هاست در این حوزه فعالیت دارند و خودشان نیز کارگردان برجسته‌ای هستند، اما در مسیر کار همیشه نکاتی وجود دارد که نیاز به تکمیل و یا تغییر دارند. در مجموع، شخصیت اسباب‌بازی برای بچه‌ها بامزه و دوست‌داشتنی بود، هرچند در ابتدا کمی گنگ به نظر می‌رسید که ما در روند تمرین‌ها آن را شفاف‌تر کردیم.

در زمینه طراحی صحنه و لباس این نمایش به چه

از چگونگی انتخاب متن بگویید.

معمولاً زمانی که می‌خواهم نمایشی کار کنم با برخی از نویسندگان تماس می‌گیرم تا ببینم آیا متنی دارند که مورد علاقه من نیز باشد یا نه. در همین راستا با آقای شهرام کرمی تماس گرفتم، زیرا پیش از این نیز دو نمایشنامه از ایشان کار کرده بودم و ایشان به من گفتند که اتفاقاً نمایشنامه‌ای دارند که در کانون پرورش فکری چاپ شده است. وقتی قصه را برایم توضیح دادند، متوجه شدم با داستانی تازه روبه‌رو هستیم؛ چراکه تا پیش از آن، ندیده بودیم که یک گوسفند و یک گرگ با هم دوست باشند. البته این دو شخصیت در داستان، بچه هستند و بزرگسال نیستند. این موضوع کمی تابوشکنی محسوب می‌شد. از سوی دیگر، کانون پرورش فکری معتقد بود که به هر حال گرگ و گوسفند نمی‌توانند با یکدیگر دوست باشند. ما هم توضیحاتی ارائه کردیم و در بخش‌هایی از نمایش، با اجازه آقای شهرام کرمی، تغییراتی ایجاد کردیم تا به شکل امروزی خود برسد.

پیام این نمایش چیست؟

به نظر من، حرف اصلی نمایش «نونوش و کوهستان» این است که بچه‌ها هیچ کلک و حقه‌ای ندارند و هر ناآگاهی و نیرنگی مربوط به دنیای بزرگسالان است. در حالی که در دنیای کودکان، همه‌چیز با صداقت و پاکی همراه است. حتی در طبیعت نیز گاه دیده‌ایم که گربه و سگ در کنار هم زندگی می‌کنند. به گمانم آقای کرمی نیز از همین زاویه به موضوع نگاه کرده بود. او این داستان را از زبان پسرش، کیان، نوشته و می‌گوید «پسر کیان، زمانی که هفت سال داشت، از من پرسید که چرا گرگ و گوسفند نمی‌توانند با هم دوست باشند»

آیا «نونوش و کوهستان» در شهرهای دیگر نیز اجرا خواهد داشت؟

بله پس از اجراهای تهران به شهرهای دیگر می‌رویم. استان مازندران و خراسان شمالی تا این لحظه قطعی هستند؛ در خراسان شمالی شهرهای بجنورد و شیروان و در مازندران شهرهای ساری، چالوس و چند شهر دیگر میزبان ما خواهند بود.

یکی از نکات مهم قصه‌ی نمایش این است که کودکان الزاماً نباید همان باورهای گذشتگان خود را دنبال کنند. و اگر در گذشته گرگ و گوسفند دشمن بوده‌اند، دلیلی ندارد این دشمنی تا ابد ادامه یابد.

به نظر من برخی مسائل، فطری هستند؛ ما می‌دانیم جای گرگ در مزرعه نیست و جای

